

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

ا.م. شیری  
۲۹ نومبر ۲۰۱۵

## نگو داعش، بگو ناتو!

از زمانی که در ماه مارچ سال ۲۰۱۱ امپریالیسم غرب به سرمداری امپراتوری امریکا در استمرار «بهار عربی» جعلی به تجاوز استعماری علیه کشور مستقل سوریه دست زد، اغلب ناظران و کارشناسان آن را اساساً تحت عناوین غیرواقعی و غلط انداز، مانند «بحران سوریه»، «مشکل سوریه»، «جنگ داخلی سوریه» و به لحاظ مضمونی، مشابه آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند بدون این که حادثه را به نام واقعی خود- جنگ استعماری غرب علیه سوریه بنامند.

در همین ارتباط، موضع و فرمولبندی سیاستمداران و مقامات رسمی کشورهای مخالف جنگ و جنگهای استعماری- نیابتی، مداخلات «بشردوستانه» و انقلابهای «رنگی» امپراتوری امریکا و متحدانش در کشورهای مختلف قابل درک است. آنها به دلیل برخی معذورات و ملاحظات سیاسی، اقتصادی و یا روابط و مناسبات بین دولتی نمی توانند و یا نمی خواهند هر اقدام دول امپریالیستی را به نام واقعی آن بنامند. اما، شگفت آور این است که اغلب کارشناسان و تحلیلگران مستقل و آزاد در کمال فراغت از چنین محدودیتها و موانعی، داده های ناتوی رسانه ئی یا اظهارات مقامات رسمی کشورهای مختلف را مبنای تحلیل و بررسی خود قرار داده، علی رغم دیدگاه و نقطه نظر شان، واقعیتهای موجود، از جمله جنگ استعماری و تجاوزکارانه غرب امپریالیستی علیه جمهوری عربی سوریه را واژگونه و خلاف واقع جلوه می دهند.

«۷۵ سال قبل، با حمله المان هیتلری به پولند جنگ جهانی دوم که دهها میلیون نفر قربانی گرفت، شروع شد. اما بخش معینی از بشریت، همان بخش که در صدد کسب سود بود، چیزی از این درس خونین نیاموخت. از آن زمان تا کنون روشهای جنگ با دگرگونی های بسیاری همراه بود، توجه زیادی به روش جنگ اطلاعاتی مبذول گردیده، مهاجمان آموخته اند که با دست دیگران بجنگند، باندهای مزدور برای اقدام علیه کشورهای «نامطلوب» تشکیل دهند.

به رغم این، موارد زیادی اتفاق افتاده که امریکا به اتکاء اقتدار نظامی خود و همپیمانانش مستقیماً کشورهای «دشمن» را مورد تهاجم نظامی قرار داده (جنگهای کوریا، ویتنام، کامبوج و...)، و هر بار با خفت و خواری، با به جای گذاشتن خیل عظیم کشتگان و خرابی های بی سابقه، به فرار از میدان جنگ مجبور گشته است. آخرین این نوع جنگها، جنگهای یوگسلاوی، افغانستان، عراق بود که به جز کشتار، هرج مرج، نکبت و بدبختی های دامنه دار، و

ویرانی تمامی زیر ساختها در کشورهای جنگ زده، چندان دستاورد مطلوبی برای جنگ سالاران غربی به همراه نداشت.

همانطور که معلوم است یوگسلاوی به رغم این که به هفت منطقه تحت نفوذ تقسیم گردید، بزرگترین منطقه آن- صربستان باز هم به سوی «شرق»- روسیه روی آورده و در سایر مناطق نیز جدال بر سر انتخاب سمت و سوی برقراری و تقویت مناسبات و روابط متقابل هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است.

بعد از ۱۴ سال اشغال افغانستان به واسطه آمریکا و همپیمانانش به سفارش مافیای مواد مخدر «کالی»، اما به بهانه جنگ با تروریسم، علاوه بر این که این کشور بی دفاع به مرکز تولید مود مخدر جهان تبدیل گشته، فساد هر چه شکوفاتر می شود، تروریسم بین المللی هر چه چاق تر و گستاختر شده، جنگ در این کشور همچنان ادامه دارد و گفتمان جنگ نه تنها گستره افغانستان اشغالی، بلکه، سراسر جامعه بشری را درنور دیده است.

اوضاع عراق نیز در واقع یک داستان بدون شرح و بی نیاز از توضیح است. این کشور عملاً به سه بخش تقسیم گردیده: در شمال فرمانروائی دولت اقلیم کوردستان برقرار است، نواحی غربی آن را ناتو (داعش) تصرف نموده، دولت مرکزی در بغداد نیز قادر به اداره بقیه کشور نیست. همه روزه انفجار، همه روزه جنگ و کشتار، همه جای ویرانی، همه جای هرج و مرج...

جنگ لیبیا اما، تلیقی بود از جنگ کلاسیک و معاصر (جنگ با دست دیگران یا جنگ نیابتی): بمبارانهای جنون آمیز از هوا و دریا برای پشتیبانی از تهاجم نیروهای سطحی (تروریسم). در نتیجه نهائی، به موجودیت لیبیا به عنوان یک کشور واحد پایان داده شد و آن، عملاً به مناطق تحت نفوذ و ترک تازی طوایف و قبایل تقسیم گردید که بیش از ۵۶۰ دسته و گروه مسلح بر سر پس مانده ها و ریزه های ثروتهای به تاراج رفته این کشور سابقاً موجود با هم درگیرند.

جنگ سالاران استعمار با بهره گیری از تاکتیک جنگی آزموده علیه لیبیا در ماه مارچ سال ۲۰۱۱ به سوریه هجوم آوردند و به اشغال و نابودی سریع آن اطمینان داشتند. اما در اینجا تیرشان نه به سنگ، بلکه به صخره بسیار سخت خورد. مقاومت دلاورانه ملت، ارتش و دولت سوریه در مقابل حمله های سنگین نظامی، تبلیغاتی و روانی غربی ها، تمامی محاسبات آنها را به هم ریخت. پشتیبانی کشورهای صلحدوست جهان، به ویژه، مانع غیرقابل عبور و توهای چین و روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد مزید بر علت شد تا غرب به موازات تشدید هر چه بیشتر جنگ روانی- تبلیغاتی علیه سوریه، تهاجمات نظامی علیه این کشور را شدت بخشد.

در این راستا و در راستای سیاست گسترش ناتو به منطقه نفتخیز خاورمیانه و به طور کلی به سراسر جهان، آمریکا و متحدان اروپائی و منطقه ئی آن که تجارب فراوانی در تشکیل گروهها و دستجات مجازات، تروریست، خرابکار، به ویژه در پنجاه سال اخیر دارند (گلائیو، کنترها، القاعده، طالبان، الشباب، بوکوحرام،...)، به استخدام هر چه گسترده مزدور از کشورهای مختلف دست زدند. آنها را زیر نظر متخصصان و مربیان سازمانهای امنیتی- خرابکاری و ناتو در مراکز آموزش تروریست واقع در خاک آمریکا، ترکیه، عربستان سعودی، لیبیای سابق، امارات عربی، قطر، اردن و برخی کشورهای دیگر آموزش نظامی دادند، با پیشرفته ترین جنگ افزارها، از جمله، سلاحهای کیمیائی تسلیح و تجهیز نمودند. به این ترتیب، آمریکا و همپیمانانش به موازات ارتش مهاجم ناتو، یک ارتش منظم و مسلح به انواع جنگ افزار پیشرفته به وجود آوردند و به اتکای آن تهاجم خود را به سراسر سوریه گسترش دادند. واحدها و قطعات مختلف این نیروهای تازه نفس ناتو را متناسب با فرهنگ، تمدن، تعلقات ملی و علائق دینی- مذهبی مردم این کشور و به طور کلی، متناسب با فرهنگ و اعتقادات مردم منطقه اسلامی خاورمیانه

به نامهای مختلف نامیدند (ارتش آزاد، دولت اسلامی، جبهه النصره، جیش الفتح و غیره). تشکیل گله «دوستان سوریه» در مراحل آغازین جنگ، همچنین، برگزاری جلسات متعدد آن در روند جنگ و بعدها، ایجاد ائتلاف «مبارزه با تروریسم» مرکب از ۶۴ «کشور» به سرمداری امپراتوری امریکا در ماه جون سال ۲۰۱۴، در واقع، بخش های روانی- تبلیغاتی جنگ استعماری فاشیسم غرب علیه جمهوری عربی سوریه را پوشش می دادند.

طرفه این که، جنگ سالاران غربی در جنگ علیه جمهوری سوریه با اجرای طرح جدید پنتاگون دایر بر ساخت و تولید سلاح، جنگ افزار و مهمات در جبهه های جنگ، سراسر سوریه را به زانده صنایع جنگی امپریالیسم تبدیل نمودند، مراکز متعدد فرماندهی ایجاد کردند، هزاران استحکامات مهندسی و زیرساختهای جنگی ساختند، که مجموع آنها خارج از امکانات و توانمندیهای گروههای تروریستی که جای خود دارد، یک کشور است.

قابل تأمل تر این است، که در این یک سال و نیم اخیر پس از تشکیل «ائتلاف ضد داعش»، نه تنها کمترین شهادی از «مبارزه ائتلاف» علیه تروریسم مشاهده نشد، حتی به برکت همه نوع کمکهای لجستیکی آن، تروریستها (ارتش موازی ناتو) هارتر و گستاختر هم شدند، اراضی بیشتری (تقریباً نصف دو کشور عراق و سوریه) را به اشغال درآوردند، ثروتهای فرهنگی و تاریخی سوریه را تخریب کرده، به تاراج برد، نفت این کشور را به قیمت هر بشکه ۱۰-۳۵ دلار از در بازارهای ترکیه به اروپای «دمکرات» فروختند...

اگر ۶۴ کشور به سرمداری بزرگترین اقتدار نظامی جهان در مدت یک سال و نیم نتوانست از عهده یکسری گروههای تروریستی دارای نشانی و مکان مشخص، نه مخفی و زیرزمینی برآید، یا باید به پوشالی بودن خود اعتراف نمایند، و یا بپذیرند این نیروها همان قطعات ضمیمه ناتو هستند که رژیمهای غربی مولد و موجد آن هستند. رویدادهای میدانی جنگ علیه سوریه و اظهارات متعدد مقامات به اصطلاح سیاسی، در واقع، تروریستی امپراتوری مانند هیلری کلینتن، وزیر خارجه سابق، سناتور مک کین، جون کری و دیگران در خصوص آموزش و تسلیح «مخالفان اسد» کمترین جای تردید در صحت مدعیات فوق باقی نمی گذارد.

اکنون بلوک ناتو به رهبری امریکا در مخصصه دروغهای خود گرفتار آمده است. نه می تواند حمایت آشکار و علنی خود را از قطعات تروریستی ناتو را رسماً اعلام کند و نه می تواند علناً در مقابل مبارزه جدی ائتلاف ۱+۴ (ایران، سوریه، روسیه، عراق و حزب الله لبنان) با تروریسم بایستد. به همین سبب، به کارشکنی، دروغ بافی و جعل اخبار و حوادث میدانی جنگ متوسل می شود تا شاید بدین واسطه، بتواند از «نمد» آشفته جنگ، «کلاهی» باب سر خود دست و پا کند.

با این اوصاف، سیر تحولات خاورمیانه به طور کلی و سوریه بالاخص، ثابت می کند که جنگ علیه جمهوری سوریه نه «بحران سوریه»، «مشکل سوریه» یا «جنگ داخلی سوریه»، بلکه، یک جنگ تمام عیار استعماری فاشیسم غرب علیه جمهوری سوریه است به دست زیر مجموعه های ناتو و تحت فرماندهی آن. «داعش»، «جبهه النصره»، «ارتش آزاد» و غیره فقط پرده ها برای فریب اذهان عمومی هستند که پشت آنها از همان ابتدای جنگ در چشم آگاهان پیدا بود.

۷ آذر - قوس ۱۳۹۴